ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
دو شنبه • ۱۱ مرداد ۱۴۰۰
۲۲ ذی الحجه ۱۴۴۲ • ۲ آگوست ۲۰۲۱
شماره ۲۰۷۲۲
۱۹۴۲

پیرمرد پرحاشیه، عباس بوعذار و بقیه رفقا

پرونده‌ای درباره «میم‌ها»، یعنی همه فیلم‌ها و عکس‌هایی که در چند سال اخیر با رویکرد طنز به بهانه‌های مختلف در فضای مجازی دست‌به‌دست شده‌اند

مصطفی میرجانیان | روزنامه‌نگار

پرونده

در این چند وقت حتما ویدئوی «علی دایی» را دیده‌اید که بعد از بیان چند جمله خاص، از نام «عباس بوعذار» استفاده می‌کند که کلی شوخی و محتواهای طنز را همراه خود داشته است، یا تصویر پیرمرد خارجی که با یک فنجان در دستش جلوی رایانه نشسته و در تصویر بعدی با لبخند ملیحی به دوربین نگاه می‌کند و قابی برای نوشتن انواع حرف‌های بامزه شده است. اصلا چرا راه دور برویم؟ به عنوان نمونه‌ای دیگر، کیان ایرانی را به یاد دارید که در کنار مختار ایستاده و با او درد دل می‌کند؟ حتی اگر سریال «مختارنامه» را ندیده باشید در این چند سال آن‌قدر در شبکه‌های اجتماعی از تصویر این سکانس برای شوخی و طنز استفاده شده است که حتما آن را دیده‌اید. در این بین، آیا می‌دانید هر کدام از این عکس‌ها و فیلم‌ها از کجا آمده‌اند و اصلا چطور باب شوخی را باز کرده‌اند؟ در پرونده امروز «زندگی سلام» سراغ همین عکس‌ها و فیلم‌هایی رفتیم که اصطلاحا به آن‌ها «میم» می‌گویند و به عکس‌ها و فیلم‌هایی سرک کشیدیم که در این چند سال، بساط خنده‌مان را فراهم کرده‌اند و از ماجرای ترند شدن و پربازدید شدن آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی نوشتیم.

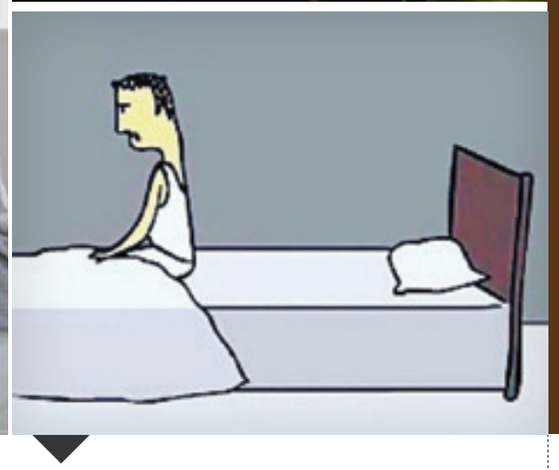

پیرمرد خوش‌تیپ با لبخند ملیح

ماجرا چه بود؟ اگر اهل فضای مجازی باشید حتما این روزها تصویر این مرد را زیاد دیده‌اید. شخصی که تصویرش در صفحات مجازی برای نشان دادن ناکامی‌ها و اتفاقاتی که با پیش‌بینی اولیه تفاوت فاحش داشته‌اند مورد استفاده قرار می‌گیرد. این شخص «آندرس آراتو» نام دارد. یک مهندس برق بازنشسته اهل مجارستان که در دوران بازنشستگی به مدلینگ روی آورده است. پیرمرد پرحاشیه مجازی در مصاحبه‌ای گفته است: «چندین سال پیش من عکسم را در اینترنت جست وجو کردم و نتیجه، من را به شدت شوکه کرد. کاربران فضای مجازی از لبخند من و چشمانم تصور کرده بودند که غمگین هستم و برای همین زیر عکس‌هایم مطالبی می‌نوشتند. این عکس را زمانی گرفتند که هنوز به عنوان مهندس برق، کار می‌کردم. یک عکاس حرفه‌ای بعد از آن که عکس‌هایم را در فیسبوک دیده بود با من تماس گرفت و گفت به دنبال کسی شبیه من است تا در عکس‌هایش به عنوان مدل استفاده کند. او صدها عکس گرفت. بعد از مدت کوتاهی متوجه شدم که مردم روی عکس‌هایم متن‌هایی را می‌نویسند. چون تصورشان این بود که عکس من، لبخندی همراه با ناراحتی است و اصطلاحا «خنده تلخی» بر لب دارم. حالا خنده تلخ این مهندس برق برای ما ایرانی‌ها شوخی‌های زیادی ساخته است.

«میم» یعنی چه و از کجا پیدا شد؟

شاید بپرسید که این اصطلاح میم از کجا آمده است؟ اولین بار، واژه «میم» یا اصطلاح انگلیسی‌اش یعنی meme توسط «داوکینز» در کتاب «ژن خودخواه» مطرح شد. او واژه میم را برای توصیف گسترش افکار، عقاید، پخش ایده‌ها و پدیده‌های فرهنگی به کار برد. این میم‌های اینترنتی ایده‌هایی هستند با اقتباس از یک واژه اصلی جالب توجه یا مهیج که یا به قصد این که تبدیل به یک میم شوند، ساخته شده‌اند، یا یک ایده‌ای هستند که به سادگی مشهور می‌شوند و سراسر جامعه اینترنتی گسترش می‌یابند و راه خود را به دیگر جوامع اینترنتی باز می‌کنند. به عبارتی میم‌ها (meme) ایده‌ها و مفاهیمی هستند، که با به اشتراک گذاری به صورت آنلاین و از شخصی به شخص دیگر گسترش پیدا می‌کنند. میم را همان فرهنگ تقلید گرایی باید بدانیم. قدیم‌ها یادتان هست که تکیه کلام‌ها یا اصطلاحات بعضی فیلم و سریال‌های طنز دهه ۷۰ و ۸۰ بین مردم و به ویژه بچه‌ها پخش می‌شد؟ این اصطلاحات تا جایی پیش رفت که مثل ویروسی همه را آلوده می‌کرد و بعد هم تمام می‌شد و از ذهن‌ها می‌رفت. با آمدن تلفن همراه و فضای مجازی این رسانه‌ها علاوه بر این که جای گپ و گفت‌های شبانه و دورهمی را گرفته‌اند، کاربران فضای مجازی را با پدیده‌ای با عنوان کلیپ‌های وایرال مواجه ساختند. محتواهای بامزه داخلی یا خارجی که ناگهان در فضای مجازی منتشر می‌شود و همه کاربرانش را آلوده می‌کند و بعد از مدتی هم از یادها می‌رود. میم‌های اینترنتی می‌تواند تصویر، ویدئو، هشتگ، کلمه، عبارت یا حتی یک غلط املایی باشد.

کودک مبارز و ژست خنده‌دار

ماجرا چه بود؟ سامی الان تقریبا ۱۱ ساله است. او وقتی ۱۱ ماهه بود مادرش این عکس را در ساحل از او گرفت و روی صفحه مجازی خود گذاشت. عکس با نوشته‌های مختلف و با سرعت نور دست به دست شد. او آن‌قدر معروف شد که حتی از عکسش در تبلیغات بازرگانی هم استفاده کردند. عکس دیگری در پنج سالگی سامی منتشر شد که روی آن نوشته شده بود: «پنج سال بعد؛ هنوز یک میم!» و حالا سامی ۱۱ ساله بعد از گذشت یک دهه هنوز هم یک میم است. البته او از آن میم‌های خوش‌شانس است که از همین راه موفق شده برای پدرش کلیه‌ای جدید بخرد و از این که به یک میم تبدیل شده خیلی هم خوشحال است؛ به همین خاطر است که با نام «کودک موفق» شناخته می‌شود.

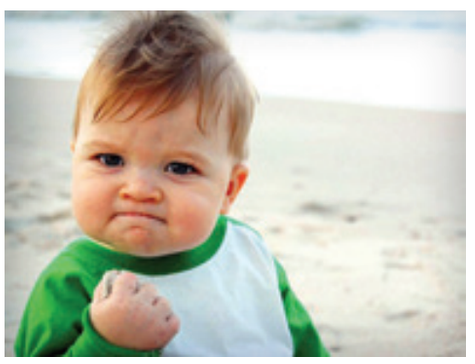

جملات متناقض پرویز

ماجرا چه بود؟ حتما تصویر مرد کابی‌پوش و خسته‌ای را دیده‌اید که روی تخت نشسته و کاربران شبکه‌های اجتماعی روی آن، جملاتی نوشته‌اند که همه را می‌خنداند. می‌دانید این تصویر از کجا آمده است؟ انیمیشن‌های سوریلند را دیده‌اید؟ سروش رضایی، انیماتور و صداپیشه ایرانی است که با مجموعه آثارش به نام سوریلند بانگاهی طنز به مشکلات و ناهنجاری‌های جامعه پرداخته است. معروف‌ترین آثار او پرویز و پونه است که با استقبال خوبی همراه شده و میلیون‌ها بیننده دارد. بعد از انتشار این پویانمایی، کاربران شوخی‌های جالبی با یکی از تصاویر این انیمیشن کردند. آن جایی که مرد در کابی‌پوش روی تخت نشسته و معنی «اسیر شدیم» می‌دهد.

عباس بوعذار، نه میم داره و نه ه!

ماجرا چه بود؟ «نه میم داره، نه ه داره، نه دال داره. فقط یه دونه ر داره!» چند وقتی هست ویدئوهای طنزی در فضای مجازی از مصاحبه جالب علی دایی و نام بردن او از «عباس بوعذار» منتشر می‌شود. ماجرا از این قرار است که علی دایی، آن زمان، سرمربی نفت بوده و شجاع خلیل‌زاده برای سپاهان بازی می‌کرد. گویا داور به دایی می‌گوید خلیل‌زاده بازیکن سپاهان روی فردی به نام محمدی خطا کرده است و به همین دلیل، کارت گرفته اما بعدا مشخص می‌شود فردی به نام «محمدی» اصلا وجود خارجی ندارد و بازیکن مدنظر داور، عباس بوعذار بوده است! همین می‌شود که علی دایی با عصبانیت در آن نشست خبری، نام «عباس بوعذار» را بر زبان می‌آورد و فضای مجازی را می‌ترکاند! حالا ۵ سال از آن نشست خبری گذشته اما این فیلم در چند ماه اخیر آن‌قدر مورد توجه قرار گرفته که انگار مال همین هفته پیش است!

در ددل مختار با کیان

ماجرا چه بود؟ مختارنامه در طول این سال‌ها این قدر از تلویزیون بازپخش شده که دیگر هر صحنه و سکانس آن را به یاد داریم. در طول این سال‌ها بعضی کاربران فضای مجازی با یکی دو صحنه این سریال هم شوخی کرده‌اند. مثل سکانسی که مختار، خسته از روزگار و از بی‌وفایی کوفیان به درختی تکیه داده و با کیان ایرانی درددل می‌کند. اما کاربران از این تصویر، برای بیان شوخی‌هایشان استفاده می‌کنند. نمونه این شوخی‌ها با بازپخش‌های بسیار زیاد این سریال است. مثلا کاربری روی این تصویر از قول مختار ثقفی نوشته: «چه خبر است کیان؟!» کیان هم در پاسخ می‌گوید: «ابواسحاق بالاخره جومونگ تمام شد و نوبت ماست که به میدان برویم!»

چرا کشتیش؟ چرا؟

ماجرا چه بود؟ شمشیری که روی دوش یک چهره قرمزپوش عصبانی است، بدنی که از وسط نصف شده و آدم‌هایی که شبیه یک قاضی و متهم عمل می‌کنند! تصویری شبیه کارتون‌های شاهنامه‌ای در این سال‌ها همیشه معروف بوده است. تصویری که با عنوان «چرا کشتیش؟» همیشه شوخی‌های بامزه‌ای در خودش داشته است. نمونه‌هایی از این شوخی‌ها را بخوانید: «چرا کشتیش؟ توی این اوضاع کرونا اومده بود مسافرت!»، «چرا کشتیش؟ اندازه گودزیلا سن داشت اما به آره می‌گفت: آله»، «چرا کشتیش؟ ساعت ۷ صبح زنگ می‌زد، می‌گفت صدای خوابالوتو دوس دارم!»، «چرا کشتیش؟ چون پرسید ساعت قدیمه یا جدید؟» و....

شوخی با آقا شهاب و واکنش‌هایش

ماجرا چه بود؟ بدون شک، میم‌دارترین بازیگر ایرانی، شهاب حسینی است! از بازی‌اش در «امتحان نهایی» و «جدایی نادر از سیمین» تا «فروشنده» و... آن‌قدر از شهاب حسینی میم اینترنتی ساخته‌اند که شما برای دعوا، برای دعوت به آرامش، برای قسم خوردن، برای تعجب کردن و ... می‌توانید از میم مخصوص خود استفاده کنید! در همین برنامه «همرفیق» هم کاربران، بدون خلاقیت ننشستند و از تصویر مالیدن دست‌های شهاب به همدیگر که در این برنامه خیلی استفاده می‌شد، برای پیام دست شستن در روزهای کرونایی کمک می‌گیرند! مثلا کاربری روی عکسی از فیلم «امتحان نهایی» نوشته: «اصلا نمی‌خوام درس بخونم! میخوام برم شوهر کنم!» دیگری روی تصویری از فیلم «جدایی نادر از سیمین» نوشته: «یه کمی آروم‌تر، بچه خوابیده! نمی‌فهمید؟»

نرو سمیه!

ماجرا چه بود؟ صحنه معروف به «نرو سمیه» را دیگر هزاران بار دیده‌ایم. آخرین روزهای سال ۹۴ بود که فیلم سینمایی «ابد و یک روز» اولین ساخته سعید روستایی اکران شد. حتما حرف‌های محسن به سمیه را یادتان هست؟ جملاتی از سر استیصال و عجز و دیالوگ‌هایی که در اوج ناامیدی ادا می‌شود و بیشتر شبیه التماس است که سمیه نرود. کاربران اما برای شوخی‌هایشان از عجز و التماس‌های نوید محمدزاده استفاده می‌کنند. بیایید چند شوخی بامزه را مرور کنیم: «نرو سمیه، روزهایی که نیستی، هیچ کی به من پسورد وای‌فای رو نمیده، می‌ترسن حجم ترافیک تموم بشه!»، «سمیه به یحیی گل‌محمدی بگو زود قهرمان نشو، اگه زود قهرمان بشی، نمی‌گن کارت خیلی درسته، می‌گن بقیه تیما ضعیف بودن!» و....

شاخ مجازی که بدون حرف زدن میلیونر شد

ماجرا چه بود؟ اگر اهل گشت و گذار در فضای مجازی و تماشای ویدئوهای پرطرفدار هر روز جهان باشید، بی‌شک «خابی لامه» را دیده‌اید. جوان ۲۱ ساله و سیاه‌پوستی که روبه‌روی دوربین قرار می‌گیرد و با ویدئوهای گوناگون شوخی می‌کند. خابانه لامه، با نام مستعار خابی، این روزها تبدیل به ستاره‌ای شده است که تعداد مخاطبانش در نرم‌افزار تیک‌تاک به بیش از ۶۰ میلیون نفر می‌رسد و در مدت کوتاه فعالیتش در اینستاگرام حالا چیزی نزدیک به ۳۲ میلیون نفر او را دنبال می‌کنند. ویدئوهای خابی کوتاه است، محتوای طنز دارد و به ساده‌ترین شکل ممکن تهیه می‌شود. این ایده‌ها و فعالیت‌ها می‌تواند درباره یک ابداع بی‌فایده باشد یا بزرگ‌نمایی یک حرکت ساده ورزشی. هرچه هست خابی تلاش می‌کند تا مشت‌سازنده ویدئو را برایتان باز کند و ایده اولیه‌اش را دست‌مایه طنزهای خود قرار دهد. در این بین اما، یکی از عکس‌های او در ایران پرطرفدار شده که کف دست‌هایش را به سمت مخاطب گرفته است و توضیحات طنز زیادی برای آن نوشته‌اند.

ماجراهای راک و مسافرهایش

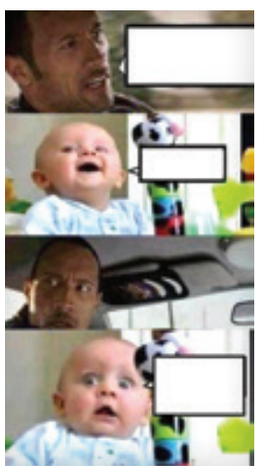

ماجرا چه بود؟ شاید بتوان گفت که این روزها هیچ بازیگر مردی در آمدزاتر از «دواین راک جانسون» وجود ندارد. «راک» پردرآمدترین بازیگر سینمای سال ۲۰۲۰ شد و برای دومین سال پیاپی توانست به پردرآمدترین بازیگر سینما در هالیوود و به تعبیری سراسر جهان تبدیل شود. در سال‌های اخیر این بازیگر تنومند نشان داده که می‌تواند تماشاگران بسیاری را به سالن‌های سینما بکشاند یا حتی کاربران شبکه‌های اجتماعی را سرگرم کند. نمونه این‌ها تصویری از راک و مسافر صندلی عقبش است که او در تصاویری که ترند شده با آدم‌های مختلفی که انگار مسافر تاکسی او هستند، صحبت می‌کند و با تعجب زیادی، واکنشی را به صحبت‌های مسافر نشان می‌دهد که فضای خنده‌داری را تولید می‌کند.